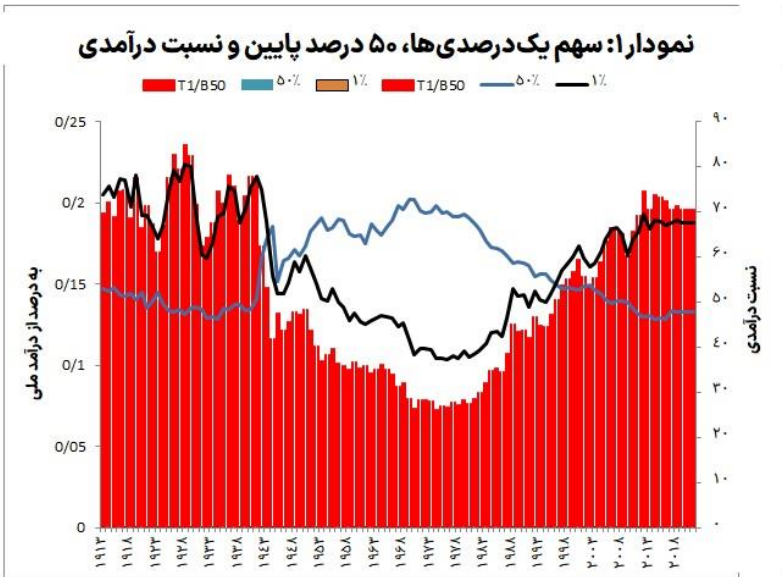


فروڈستان و فرادستان (بخش ہفتم: امریکا)

احمد سیف



بررسی توزیع درآمد در امریکا هم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و هم پیچیدگی بیش از اندازه. اهمیت‌اش در این است که بزرگ‌ترین و در واقع ثروتمندترین اقتصاد جهان است و الان هم سال‌هاست که خوش‌مان بیاید یا نه، در مقام «کلانتر» در اقتصاد جهانی تأثیر بیش از اندازه‌ای دارد. پیچیدگی‌اش هم در این است که داده‌های آماری بسیار بیشتری از تحول توزیع درآمد در امریکا در اختیار داریم که به‌طور بالقوه امکان می‌دهد تا عوامل بسیاری را که در دیگر کشورها توان بررسی‌شان را نداریم بررسی کنیم. در این یادداشت که به‌هیچ‌وجه یک بررسی جامع از توزیع درآمد در امریکا نیست سعی می‌کنم با استفاده از برخی از این آمارها تصویری از این تحولات ارایه کنم.



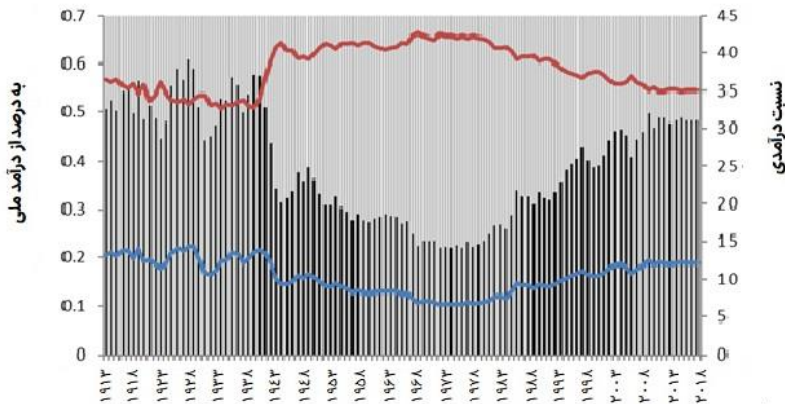
این نمودار در واقع بیانگر نوعی رجعت به گذشته است که در امریکا شاهدیم. ابتدا به ساکن روی محور دست چپ ما سهم یک‌درصدی‌ها و ۵۰ درصد پایینی را داریم که یک محدوده‌ی زمانی از سال ۱۹۱۳ تا ۲۰۲۱ را می‌پوشاند یعنی برای ۱۰۸ سال آمار داریم که سهم‌بری یک‌درصدی‌ها خود را به صورت حرف یو در انگلیسی نشان می‌دهد یعنی در سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم میزان سهم‌بری یک‌درصدی‌ها از درآمد ملی در

سطح بالاست و بعد در پی آمد سیاست‌هایی که به‌خصوص هم‌زمان با بحران بزرگ سال ۱۹۲۹ در امریکا اتخاذ می‌شود میزان سهم‌بری‌شان کاهش می‌یابد و بعد از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و به‌ویژه در دهه‌ی ۱۹۸۰ روند فزاینده‌اش تشدید می‌شود. در منحنی سیاه‌رنگ سهم یک‌درصدی‌ها ثبت شده است. فرایند تحول سهم‌بری ۵۰ درصدی‌ها کاملاً برعکس این فرایند بود که در منحنی آبی رنگ مشاهده می‌کنید. بدین ترتیب که در اوایل روند کاهنده دارد بعد با شروع برنامه نیودیل روزولت روند فزاینده‌اش آغاز می‌شود که تا سال‌های میانی دهه‌ی ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد و سپس تا ۲۰۲۱ روند کاهنده‌ی سهم‌بری ۵۰ درصدی‌ها را مشاهده می‌کنیم. این دو اگرچه به‌طور مستقیم با یک‌دیگر دیگر مربوط نیستند ولی به نظر می‌رسد یکی انعکاس دیگری در آینه شده است. یعنی از ابتدا تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ سهم یک‌درصدی‌ها روندی کاهنده و سهم ۵۰ درصدی‌ها هم روند افزایشی دارد که خود را به صورت روند کاهنده در نسبت درآمدی که با ستون‌های قرمز رنگ روی محور دست راست اندازه‌گیری می‌شود نشان می‌دهد. از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ این روندها معکوس می‌شود. سهم ۵۰ درصدی‌ها روند کاهنده دارد و سهم یک‌درصدی‌ها هم افزایش می‌یابد و نسبت درآمدی هم روند صعودی قابل‌توجهی می‌گیرد. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۱۳، یک‌درصدی‌ها ۲۱ درصد از درآمد ملی را در اختیار داشتند و سهم ۵۰ درصدی‌های پایین هم تنها ۱۵ درصد بود و از همین داده‌ها خبرداریم که متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها حدود ۷۰ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایینی بود. در سال ۱۹۸۰ سهم یک‌درصدی‌ها از درآمد ملی به ۱۰ درصد رسید، سهم ۵۰ درصدی‌ها هم به ۱۹ درصد افزایش یافت و نسبت درآمدی هم به‌طور جدی کاهش یافت و ۲۷ برابر شد. اگر چه این رقم هم چنان رقم قابل‌توجهی است ولی در مقایسه با رقم ۷۰ برابر نشانه‌ی کاهش قابل‌توجهی در نابرابری درآمدی است. بعد جناب ریگان آمد و «انقلاب» اقتصادی‌اش را شروع کرد که در همان ابتدای کار یقه‌ی اتحادیه‌های کارگری را گرفت و بعد رسیدیم به بوش پدر و کلینتون که به‌ویژه کلینتون کم وعده نداد و پس از بوش پسر رسیدیم به اولین سیاه‌پوست امریکایی که رئیس‌جمهور شد – جناب اوباما – و خلاصه‌ی کلام، با همه‌ی وعده‌ها و پس از دو جنگ جهانی و ادعای «سروری» بر اقتصاد جهان، امریکا در سال ۲۰۲۱ به جایی رسیده

است که در سال ۱۹۱۳ بود یعنی یک درصدی‌هایش از هر ۵ دلار در اقتصاد یک دلار را به جیب می‌زنند و سهم ۵۰ درصدی‌هایش به حدود یک دلار از هر ده دلار رسید و نسبت درآمدی - یعنی متوسط درآمد یک درصدی‌ها در مقایسه با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها به همان میزان ۷۰ برابر که در ۱۹۱۳ وجود داشت، رجعت کرد.

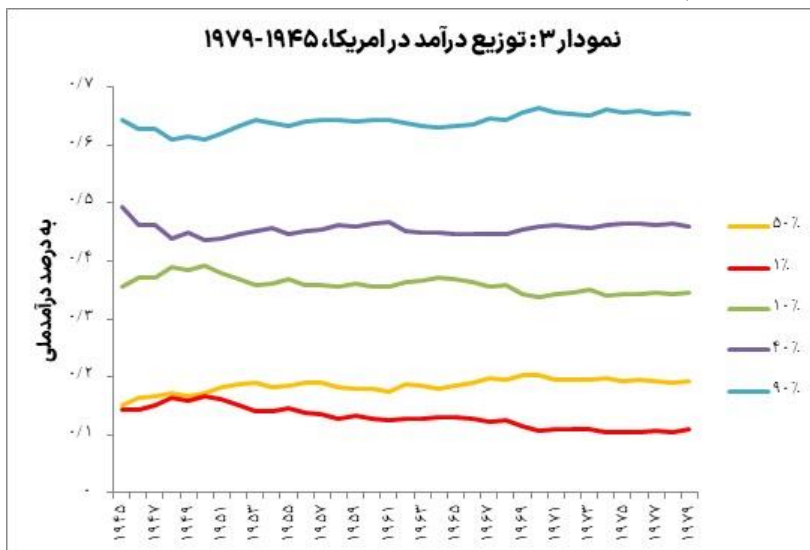
در نمودار دوم این تحولات را در پیوند با ۹۰ درصدی‌ها پی می‌گیریم.

نمودار ۲- سهم یک درصدی‌ها و ۹۰ درصد و نسبت درآمدی بین متوسط درآمد آن‌ها



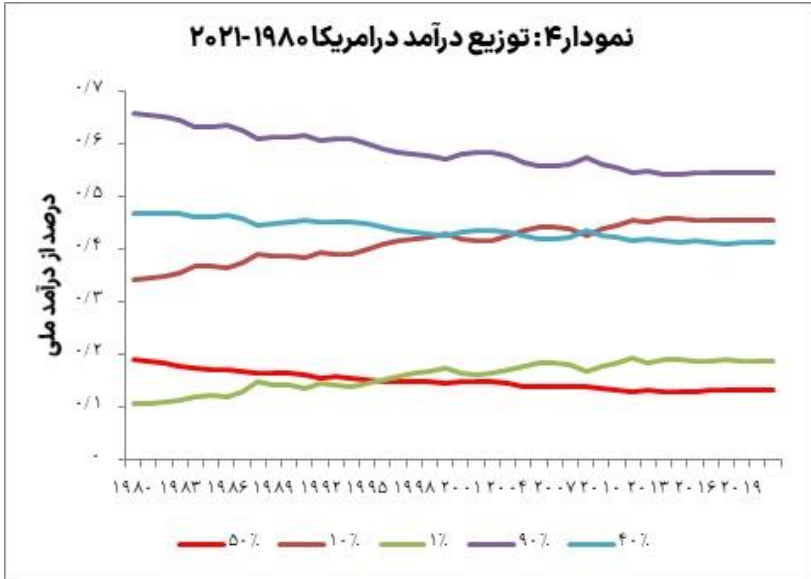
البته تعجبی نباید داشته باشد که در این جا هم شاهد تحولاتی مشابه هستیم. یعنی امریکا در سال ۲۰۲۱ به جایی رسیده است که در سال ۱۹۱۳ در آن وضعیت بود. ابتدا حتماً توجه دارید که سهم‌بری ۹۰ درصدی‌ها هم به صورت یک یوی معکوس خود را نشان می‌دهد یعنی در ابتدای دوره به نسبت کم است و بعد سهم‌بری‌شان در دهه‌های میانی افزایش می‌یابد و بعد در دهه‌های پایانی بار دیگر روندی کاهنده را آغاز می‌کند. نتیجه این که متوسط درآمدی هم تغییر می‌کند. در بخش پیشین وضع یک درصدی‌ها را بررسی کرده‌ایم ولی ۹۰ درصدی‌ها هم شبیه ۵۰ درصدی‌ها تحول مشابهی را از سر گذرانده‌اند و سهم‌شان از ۵۷ درصد از درآمد ملی در ۱۹۱۳ به ۶۶ درصد در سال ۱۹۸۰

رسید و بعد با ۱۱ درصد کاهش به ۵۵ درصد در سال ۲۰۲۱ تنزل یافت. نسبت درآمدی - یعنی رابطه بین متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها و ۹۰ درصدی‌ها - که در سال ۱۹۱۳، ۳۳ برابر بود به ۱۵ برابر در سال ۱۹۸۰ کاهش یافت و دوباره در سال ۲۰۲۱ به ۳۱ برابر افزایش یافت. اگر برای سادگی کار خودم، این دوره را به دو بخش تقسیم کنم و سال ۱۹۴۵-۱۹۷۹ را در یک بخش و سال ۱۹۸۰-۲۰۲۱ را در قسمت دوم بررسی کنم تصویر جالبی به دست می‌آید. در دوره اول، به نظر می‌رسد که همه‌ی متغیرها در جهتی تغییر کرده‌اند که برای رفاه جامعه باید در آن راستا متحول می‌شدند و به‌عکس در دوره دوم، درست عکس این فرایند اتفاق افتاد.



در این نمودار شاهدیم که سهم ۵۰ درصدی‌ها در طول این دوره ۴ درصد از درآمد ملی بیشتر شده و سهم یک‌درصدی‌ها هم سه درصد کاهش داشته است. اگرچه میزان افزایش در سهم ۹۰ درصدی‌ها قابل توجه نبود ولی در پایان دوره از ابتدای آن بیشتر بود. سهم ده‌درصدی‌ها هم در پایان دوره از ابتدای آن کم‌تر شده بود. به احتمال زیاد علت این بهبود به نسبت کم در مقایسه با کشورهای اروپایی این است که دولت آمریکا برخلاف اغلب کشورها در اروپا، یک الگوی دولت رفاه را به کار نگرفت اگرچه سیاست‌ها در این دهه‌ها با آن چه که از زمان ریگان به بعد آغاز شد تفاوت داشت. وقتی اجرای

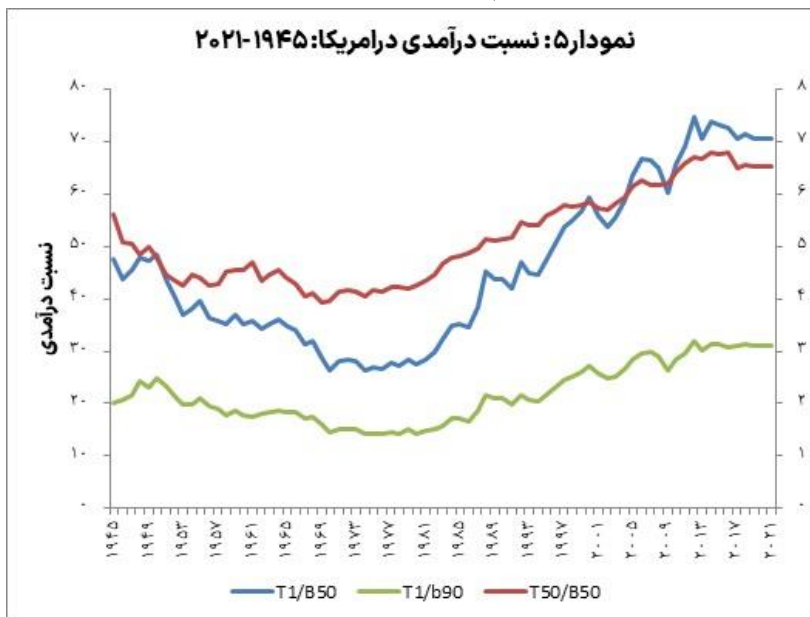
همان سیاست‌های نیم‌بند نیو دیل متوقف شد مشاهده خواهیم کرد که نه فقط همین دستاورد کم این سال‌ها از دست رفت بلکه به تعبیری وضع توزیع درآمد از آن‌چه که برای مثال در سال ۱۹۴۵ وجود داشت نامناسب‌تر شد. نمودار ۴ این وضعیت را نشان می‌دهد.



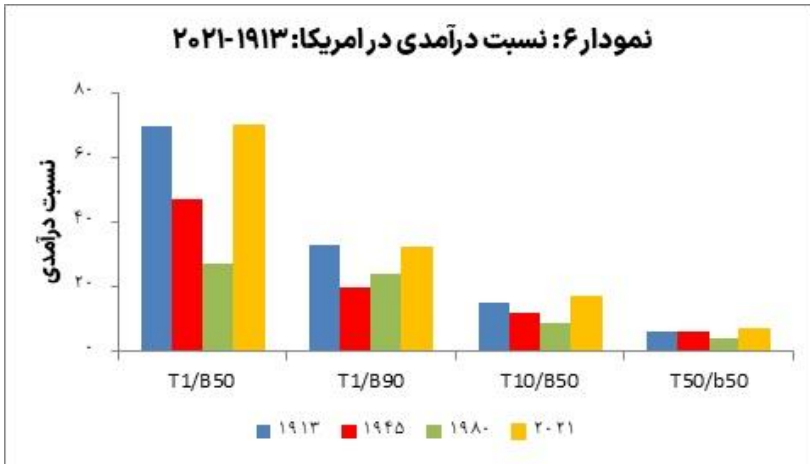
آن‌چه در این نمودار قابل رؤیت است این است که سهم‌بری ۹۰ درصدی‌ها، ۵۰ درصدی‌ها و ۴۰ درصدی‌های میانه در سال ۲۰۲۱ از آن‌چه در سال ۱۹۸۰ داشتند کم‌تر است. میزان تقریبی کاهش را برای هر گروه محاسبه کرده‌ام. سهم ۵۰ درصدی‌ها ۳۲ درصد و ۴۰ درصدی‌ها ۱۳ درصد و ۹۰ درصدی‌ها هم ۱۷ درصد کاهش یافته است. به عوض سهم یک‌درصدی‌ها ۹۰ درصد و سهم ۱۰ درصدی‌ها هم ۳۲ درصد افزایش است و افزایش در سهم ۵۰ درصدی‌های بالایی هم از دیگران کمتر و میزانش ۷ درصد بود.

برای این که خلاصه‌ای از این تحولات به دست بدهم نمودار ۵ را تهیه کرده‌ام که نسبت درآمدی را از سال ۱۹۴۵ به بعد ارایه می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر هم گفتم منظورم از نسبت درآمدی یعنی این که به‌عنوان مثال، متوسط درآمد یک‌درصدی‌ها

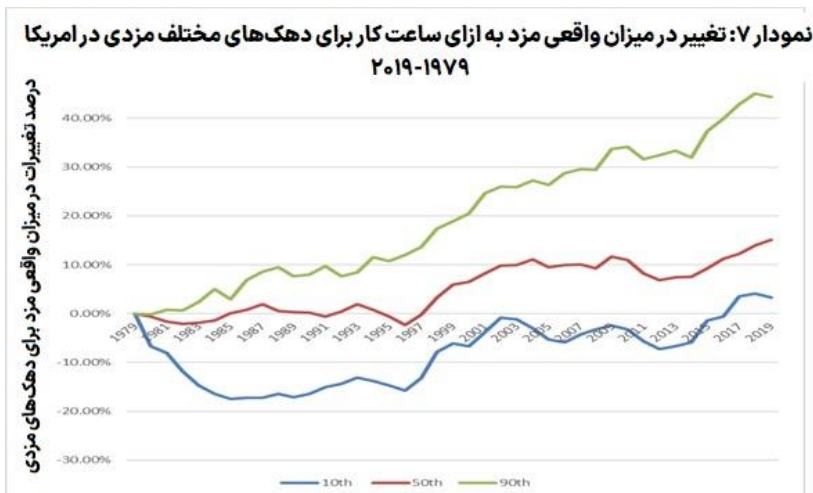
چند برابر متوسط درآمد در میان ۵۰ درصدی‌هاست. در نمودار ۶ که خلاصه‌ای از این نسبت‌ها از سال ۱۹۱۳ به بعد ارایه می‌دهم مشاهده می‌کنید که وضع توزیع درآمد در آمریکا در ۲۰۲۱ از سال ۱۹۱۳ هم ناگوارتر است.



در این نمودار که تحول از سال ۱۹۴۵ به بعد را به دست می‌دهد مشاهده می‌کنید که حالت هر سه منحنی به صورت حرف یو در انگلیسی درآمد است یعنی به عبارتی می‌توان این منحنی‌ها را به دو بخش تقسیم کرد. در یک بخش، یعنی حدوداً از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۸ این روند کاهنده است و بعد روند فزاینده آغاز می‌شود و به عبارتی درآمد یک‌درصدی‌ها در مقایسه با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌ها و یا ۹۰ درصدی‌ها و در یک مورد که روی محور دست راست اندازه‌گیری می‌شود، متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های بالا در مقایسه با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های پایین افزایش می‌یابد و از آن نسبتی که در ابتدای دوره داشت هم فزونی می‌گیرد. این هم آخرین نمودار این یادداشت که مباحث را تا سال ۱۹۱۳ پی‌گیری می‌کند.



همان طور که مشاهده می‌کنید نسبت درآمدی بین یک‌درصدی‌ها و ۵۰ درصدی‌ها و یک‌درصدی‌ها و ۹۰ درصدی‌ها در سال ۲۰۲۱ دقیقاً همانی است که در سال ۱۹۱۳ بود ولی نسبت درآمدی ۱۰ درصدی‌ها در مقایسه با ۵۰ درصدی‌های پایین و نسبت درآمدی بین ۵۰ درصدی‌های بالا و پایین در سال ۲۰۲۱ از سال ۱۹۱۳ اندکی بیشتر شده است. البته که چرا این گونه شد خود داستان مفصلی است که باید به جای خویش بازگفته شود. هدفم در این یادداشت تنها ارائه توصیف مختصری از این تحولات بود. پس از نوشتن این یادداشت به تصادف رسیدم به اطلاعات آماری دیگری درباره‌ی امریکا که با بخشی از آن در گذشته آشنا بودم. به‌عنوان مثال رابطه بین عضویت در اتحادیه‌های کارگری و تغییر در سطح واقعی مزدها و یا بهره‌وری کار مفاهیمی بودند که تا حدودی با آن‌ها آشنا بودم. ولی در این آمارهای تازه به تغییر در میزان مزد دهک‌های گوناگون مزدی رسیده‌ام که به نظرم هم جالب است و هم تا حدودی این اختلافات روزافزون که در صفحات پیش از آن سخن گفته‌ام را توضیح می‌دهد. به‌عنوان مثال وقتی روند تغییرات در ۱۰ درصدی‌های پایین در سلسله‌مراتب مزدبگیری را با تغییرات در مزد ۱۰ درصد بالایی مقایسه می‌کنید مشاهده می‌کنید که چه شکاف بزرگ بین این دو وجود دارد.



همان‌طور که در منحنی آبی‌رنگ مشاهده می‌کنید، تغییر در میزان مزد واقعی ۱۰ درصدی‌ها که پایین‌ترین میزان مزد را دارند تقریباً در همه‌ی این سال‌ها به‌جز دو سال آخر منفی بود. تا اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ وضعیت برای آنها که در میانه قرار داشتند هم چندان جالب نبود البته از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ یک روند افزایشی آغاز شد ولی در پیوند با ۱۰ درصدی که بالاترین میزان مزد را در اقتصاد امریکا دریافت می‌کردند از همان آغاز میزان افزایش مزد واقعی مثبت است و به‌علاوه با گذر زمان بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال اگر سال ۱۹۸۵ را در نظر بگیریم میزان واقعی مزد ۱۰ درصد پایینی ۱۷,۵ درصد کاهش یافته درحالی‌که مزد واقعی ۱۰ درصد میانی ۰,۱۰ افزایش یافت ولی افزایش در میزان مزد ۱۰ درصد بالاترین هم ۲,۹ درصد بود. یا در دو سال آخری که آمار داریم مشاهده می‌کنیم که مزد ۱۰ درصد پایینی به ترتیب ۴,۱ درصد در ۲۰۱۸ و ۳,۳ درصد در ۲۰۱۹ افزایش یافت در حالی‌که میزان افزایش برای ۱۰ درصد میانه هم در این دو سال به ترتیب ۱۴ درصد و ۱۵,۱ درصد بود ولی ۱۰ درصد بالایی مزد واقعی‌شان تقریباً دو برابر شد چون به ۴۵,۱ درصد در سال ۲۰۱۸ و ۴۴,۳ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. نکته این است که هر چه که نسبت بین مزد واقعی این دهک‌های مختلف در

ابتدای دوره بوده باشد با تحولاتی که انجام شد به یقین در پایان دوره شکاف مزدی به مراتب بیشتر است.